

## به نام خدا

در این نامه شماری از برابره‌های فارسی واژگان عربی در دسترس شماست که بیش از ۱۰ درصد آن‌ها را شنیده‌اید و یا اینکه می‌توانید آرش (معنی) آن‌ها را در ذهن خود بیابید؛ یک دسته ی ۳۰ واژه ای و ۱۹ دسته ی ۹۰ واژه ای که روی هم رفته نزدیک به ۱۷۰۰ واژه می‌شود. به امید آن که در آینده شماری دیگر از برابره‌های کاربردی تر واژگان بیگانه را پیشکشان کنیم.

## دسته ی نخست

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
وادر کردن (شدن)	مجبور کردن (شدن)	آروین	تجربه	درود	سلام
وادر	مجبور	بها، نرخ	قیمت	سال خورشیدی	سال شمسی
به تازگی	جدیداً، اخیراً	آری	بلی	راه	طریق
کام، خواست، خواسته	مقصود	هماورد	حریف، رقیب	روز	یوم
هر آینه، به هر روی	در هر صورت	زخمه	ضربه	دلبر	معشوق
جهان	دنیا	خاموش	ساکت	شبگیر	صبح زود
تندی	سرعت	فرمایش	امر	جانور	حیوان
سرانجام	بالاخره	رونوشت	کپی (اروپایی)	شوخی	مزاح
بی گمان	بدون شک	دادستان	قانون	شرم، آزر	حیا
بازشناختن	تشخیص دادن	کار کشته	باتجربه	خامه	قلم، مداد

## دسته ی دو

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
اول	نخست	امداد	یاری رسانی	عرض	پهنا
اولین	نخستین	مدد	یاری	طول	درازا
ابتدا	نخست	امدادگر	یاری رسان	طویل	دراز
شروع	آغاز	عازم	رهسپار	ارتفاع	بلندی
لباس	جامه	مقابل	روبرو	عریض	پهن
فتح یا ظفر	پیروزی	مساوی	برابر	عمیق	گود
رئیس یا مسئول	سرپرست	نصیحت	پند یا اندرز	مریض	بیمار
مراجعت	بازگشت	مجلس	انجمن	مریضی یا مرض	بیماری
شجاع	دلیر	عقل	خرد	مریض خانه	بیمارستان
طعم	مزه	منظره	چشم انداز	مجروح	زخمی
عاقبت	سرانجام	حبس	زندان	جرح	زخم
خطیب	سخنران	محبوس	زندانی	صدمه	آسیب
صلح	سازش - آشتی	موفقیت	کامیابی	صدمه دیده	آسیب دیده
ظاهر	نما	موفق	کامیاب	مصدوم	آسیب دیده
مشاهده	دیدن	عظیم	سترگ	اولاد	فرزندان
داخل	تو یا درون	رفیق	دوست	عدل	داد
منهدم	نابود	کلمه	واژه	عادل	دادگستر - دادگر
انهدام	نابودی	کلمات	واژه ها	ظلم	ستم - بیداد
اطلاع	آگاهی	انتخاب	گزینش	ظالم	ستمگر - بیدادگر
حاضر	آماده	استقامت	پایداری	قره قروت (ترکی)	ترف (Tarf)
ساحل	کناره یا کنار	تذکر	یادآوری	تحرك	جنبش
غریب	ناآشنا	قریب	نزدیک	خلاصی	رهایی
غریبی	ناآشنایی	بین	میان	خلاص	رها
غسل	شست و شو	صلوة	نماز	اخوی	برادر
عهد	پیمان	قرار	پیمان	قرارداد	پیمان نامه
عید	جشن	قدرتمند	نیرومند	قدرت	نیرو - توان
اعیاد	جشن ها	رسول	فرستاده	ارسال کردن	فرستادن
سئوال	پرسش	جواب	پاسخ	فرار	گریز
سرقت	دزدی	سارق	دزد	یومیه	روزانه
بی نهایت	بی کران	قابل قبول	پذیرفتنی	مفید	سودمند

## دسته ی سوم

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
اسم	نام	علامت	نشانه	الان	اکنون
طهران	تهران	علائم	نشانه ها	حالا	اکنون
اطاق	اتاق	علائم راهنمایی و رانندگی	نشانه های راهنمایی و رانندگی	بدون شک بی شک ، حتماً	بی گمان
تراز	تراز (همانند ترازو)	حمل و نقل	ترابری	دفاع	پدافند
فاحشه	روسیبی	فقر	تهیدستی- نداری	معادل	برابر
سعی	تلاش - کوشش	فقیر	تهیدست	مساوی	برابر
اتحاد	همبستگی	قضاوت	داوری	تمامی	همگی
عمران	آبادانی	زبان محاوره ای	زبان گفتاری	عصبانی	خشمگین
قبرستان	گورستان	عقاب	شهباز	شهادت	گواهی
قبر	گور	رزق	روزی	شهادت داد که... گواهی داد که...	
مقبره	آرامگاه	مریخ	بهرام	اذیت	آزار
مرحوم	شادروان	عذرخواهی	پوزش	بی فایده	بیهوده
مرحومه	شادروان	عذر می خواهم	پوزش می خواهم یا ببخشید	فایده	هوده
استعمال	کاربرد	تمنا	خواهش	تخمین	برآورد
دلیل	انگیزه	تمنا می کنم	خواهش می کنم	محترم	ارجمند
دلایل	انگیزه ها	استدعا می کنم	خواهش می کنم	احترام	ارج
مشابه	همانند	تیریک	شادباش - شاباش	ممکن	شدنی
درک کردن	پی بردن	خاص	ویژه	واحد	یکتا
مثال	نمونه	معکوس	وارونه	خدای واحد	خدای یکتا
برای مثال	برای نمونه	شوکت	شکوه	حد	مرز - کران
اخطار	هشدار	اشکال	خرده	حدی ندارد از... مرزی ندارد از...	
ایمان	باور	به احتمال زیاد	به گمان بسیار	مشکل	دشوار
بلافاصله	بی درنگ	ثبت نام	نام نویسی	کار مشکلی است	کار دشواری است
زیاد	بسیار	ثبت نام کردم	نام نویسی کردم	شغل	کار - پیشه
خراب	ویران	زباله	آشغال	جلسه	نشست
خرابه	ویرانه	فارسی	پارسی	جلسه کارمندان	نشست کارمندان
جسد	پیکر	مقایسه	سنجش	مجرم	بزهکار
حدس	گمان	مقایسه می کنم	می سنجم	جرم	بزه
حدس می زنم	گمان می کنم	خلاصه	چکیده	لعنت	نفرین
مقاومت	پایداری	مذهب - دین	کیش - آیین	لعنت کردن	نفرین کردن

## دسته ی چهارم

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
ظرفیت	گنجایش	مسکن (دارو)	آرام بخش	معلومات	دانسته ها
بعضی	برخی	مبارک باد	خجسته باد	تدبیر	راهکار
بعضی اوقات	هر از چند گاهی	خادم	پیشکار	نجوم	اخترشناسی
بعضی وقتها	گاهی	میلاذ	زادروز	منجم	اخترشناس
خلف و عده	پیمان شکنی	شجاعت	دلیری	قوم	تیره
اسلحه	جنگ افزار	شجاع	دلیر	بی توجه	بی پروا
نادر	کمیاب	مساوات	برابری	توجه	پروا
سم	زهر	مساوی	برابر	عادت	خو
سمی	زهری - زهر آگین	تقریبا ۵۰ عدد	نزدیک ۵۰ تا	عادت کردم	خو گرفتم
بی احتیاط	بی پروا	خاصیت	ویژگی	خیال کردم	گمان کردم- پنداشتم
احتیاط	پروا	خاص	ویژه	مقدس	ورجاوند (varjavand)
موسسه	بنیاد- نهاد- سازمان	عزاداری	سوگواری	اساس	بنیاد
مهاجرت	کوچ	کذب	دروغ	بصیرت	بینش
اقتباس از...	بر گرفته از...	اکاذیب	دروغ ها	خبر	تازه
قیام	شورش - خیزش	حمام	گرمابه	اخبار	تازه ها
مختلف	گونگون	حیات	زندگی	انتظار	چشم داشت
قسمت دوم	بخش دوم	بعید	دور	انتظار داشتن	چشم داشتن
قدیمی	کهنه	طلا فروش	زرگر	دقیق	ریزبین
جدیدالانتشار	تازه چاپ	طلا	زر	درس	آموزه
جدیدالتاسیس	نوساز - تازه ساز	طلایی	زرین	درس اول	آموزه نخست
البسه	پوشاک	مشغله	کار و بار	متعدد	انبوه
محلّه	پرزن	حرفه	پیشه	اختراع	نوآوری
خالص	ناب- سره (sare)	مجنون	دیوانه - شیدا	امتناع	خودداری - پرهیز
طبیعت انسان	سرشت آدمی	مجنوب	شیفته	امتناع کردن	خودداری کردن
ماهیت کار	سرشت کار	ظن	گمان	صالح	درستکار
پیش شرط	پیش نیاز	به ظن من	به گمان من	صحیح	درست
علاوه بر این	افزون بر این	سوء ظن	بدگمانی	انعکاس	بازتاب
لجّاز	یکدنده- ستیزه جو	عمل	کنش	وضع حمل	زایمان
لجّازی	یکدندگی	عکس العمل	واکنش	نورانی	درخشان
مستمر	پیوسته	اطلاعات	داده ها	از بین بردن	از میان بردن

## دسته ی پنجم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
خوشنودی	رضایت	بیشتری	اکثریت	نیایش	دعا
زیرکی - هوشیاری	کیاست	کمتری	اقلیت	نیایش می کنم	دعا می کنم
خوشبو	معطر	بیشینه	حداکثر	هراس - ترس - بیم	وحشت
نم	رطوبت	کمینه	حداقل	بس است	کافی است
نم دارد	رطوبت دارد	برگردان	ترجمه	بسند - بسندگی	کفایت
راستی - راستگویی	صداقت	می پذیرم	قبول می کنم	بسند می کند	کفایت می کند
آبستن	حامله	سخنرانی	نطق	بها	قیمت
دچار	مبتلا	سخنران	ناطق	کارگماری	اشتغال
دچار بیماری	مبتلا به مریضی	زیان	خسارت	کاربرد	استفاده
کالا	جنس	سرنوشت	تقدیر یا قسمت	گویش	لهجه
کالاها	اجناس	گذاشتن	قرار دادن یا نصب کردن	اندک	محدود
سالنامه	تقویم	چیستان	معما	شمار اندکی	تعداد محدودی
نکو هیدن	مذمت کردن	چَم - آرش (arash)	معنی	گناهکار	مقصر
دست نماز	وضو	گام دوم	مرحله دوم	تندیس	مجسمه
پیگیری	تعقیب	گام دوم	قدم دوم	پیرامون	محیط
همگی	تمامی	سخن	کلام	درباره	در مورد
همه کارها	تمام امور	سخن خدا	کلام خدا	باره	مورد
نادانی	جهل	دلبستگی	علاقه	پویا	فعال
نادان	جاهل	دلبستگی دارم	علاقه دارم	دیدگاه - نگرش	نقطه نظر
هموار	صاف	واج	حرف (الفبا)	خاور	مشرق
هموار	صاف و هموار	واج "سین"	حرف "سین"	باختر	مغرب
بی درمان، سخت درمان	صعب العلاج	گماشتن، گماردن	منسوب کردن	روش	نحوه
درمان	علاج	مزدور	اجبر	روش کار	نحوه کار
واپسین	آخرین	پریشانی	اضطراب	نماد	مظهر، سمبول
دودمان	نسل	پریشانم	مضطربم	فرسایش	استهلاک
دودمان اشکانی	سلسله اشکانی	همسایگی	جوار	شرمساری	خجالت
برآشفتن	عصبانی شدن	سروده یا چامه (غزل)	شعر	شرمسار	خجول
چالش	بحران	سراینده، چامه سرا	شاعر	شرم دارم	خجالت می کشم
هم چم - هم آرش	هم معنی	پریشمار	پر تعداد	شمار	تعداد
پسین (امروزه در کرمان، فارس و یزد این گونه می گویند)	عصر	زنده باشید پاینده باشید	در پاسخ به خسته نباشید به جای "سلام باشید"	درو، نیک روز (در دوره ساسانی بیشتر به کار می رفته است)	سلام

## دسته ی ششم

پارسی	رایانه ای (انگلیسی)	پارسی	تازی	پارسی	تازی
رایانامه	E-mail	پیوند گاه	محل تلاقی	پیامدها	عواقب
نامه دان	Mailbox	پیرامون	محیط	میهمانان	مدعوین
ویرایش	Edit	رزم	مخاصمه	آیین نامه	مقررات
تارنما	Website	پیرو	مرید	فروپاشی	زوال
بایگانی	Archive	کشتزار	مزرعه	گرمایشی	حرارتی
گپ	Chat	خیزاب	مد (در دریا)	سرمایشی	برودتی
گپسرا	Chat room	شیشه (شیشه پبله)	حیله ، مکر	دبیره	رسم الخط ، font
پوشه	Folder	چراگاه	مرتع	رستاخیز	قیامت - آخرت
گذرواژه	Password	چراگاه ها	مراتع	خودپرداز	عابر بانک
پیکربندی	Configuration	بلند	مرتفع	رایزنی	مشورت
پیوند - دنبالک	Link	گرانیگاه	مرکز ثقل	رایزن	مشاور
تراشه	Chip	آمیختن درآمیختن	مخلوط کردن	هنگامی که در باز شد...	وقتی که در باز شد...
سخت افزار	Hardware	آمیخته	مخلوط	لیچار	مزخرف
نرم افزار	Software	کار کرده	مستعمل	بخشودگی	معافیت
موشواره	Mouse	بهره مند	مستفیض	گفتگو	مذاکره
چند رسانه ای	Multimedia	ستیز	منازعه	هنگام	موقع
پارسی	تازی	گفتمان	مناظره	درو دگر	نجار
فرمان نامه	امریه	مهار گسیخته	غیر قابل کنترل	گماشتن - گمایش	انتصاب
جدایی	انفصال	کاهش	تقلیل	به دستور	حسب الامر
پرکار	فعال	کاستن	تقلیل دادن	گلو	حلق
چشمگیر	قابل توجه	فرسوده	مستهلك	کارشناس	خبیره
پیری	کهولت	کار آزموده	مجرب	به ویژه	علی الخصوص
راهبند	مانع	دیرکرد	تاخیر	کمان	قوس
بینش	طرز تفکر	بازداشت	توقیف	نیرو - توان	قوه
وگر نه	در غیر اینصورت	پهلویی	جانبی	نوشت افزار	لوازم التحریر
کم و بیش - نزدیک به	تقریبا	کیفری	جزایی	سه گوش	مثلث
شکیبا	صبور	هزینه	خرج	چهار گوش	مربع
پیشگاه	محضر	تیره	طایفه	ناپدید	مفقود الائر
خود باوری	اعتماد به نفس	دادرس	قاضی	ملوان	ملاح
واژه به واژه	تحت اللفظی	پیایی	متوالی	واپس گرایی	ارتجاع

## دسته ی هفتم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
تاب آورد	تحمل کرد	پروانه	مجوز	خوشنود	راضی
بازرگانان	تجار	جگر	کبد	خوشنودی	رضایت
لبخند	تبسم	آفرین انگیز	تحسین برانگیز	خرده گیری	انتقاد کردن
بازرگانی	تجارت	راه دسترسی	جاده موصلاتی	رفت و آمد	ایاب و ذهاب
بازرگان	تاجر	تندرو - تیزرو	سریع السیر	کنس (kenes)	خسبیس
افسوس	تاسف	هموارسازی	تسطیح	باربر - بارکش	حمل
پیشباز (پیشواز)	استقبال	ستمکار	جبار	افسانه	اسطوره
بازخواست	استیضاح	تن	بدن	داستان	قصه
راز	سر (ser)	ناروا	حرام	ماهواره	قمر مصنوعی
رازها	اسرار	هم آورد	حریف	لختگی خون	انعقاد خون
هر چه زودتر	در اسرع وقت	اندوه	حزن	دین شناسی	فقه
برده - دستگیر	اسیر	نگهداری	حفاظت	دین شناس	فقیه
بزرگان - بزرگواران	اشراف	سوراخ	حفره	اتریش	اطریش
پاران	اصحاب	کوچک	حقیر	غلثیدن	غلطیدن
ریشه - بن - بیخ	اصل	کوچک شد	حقیر شد	توس (نام شهر)	طوس
گوشه‌ها - کناره‌ها	اطراف	راستی - درستی	حقیقت	تاوان	جریمه
میان روی	اعتدال	تاخت - یورش	حمله	سرکشی	عصیان
تازیان	اعراب (عرب‌ها)	گرداگرد - نزدیکی‌ها	حوالی	واژگان	اصطلاحات
آگاه کردن	اعلام کردن	جانور - جاندار	حیوان	بند	پاراگراف (لاتین)
آشفته‌گی	اغتشاش	باژ (باج)	خراج	زمانه فن آوری	عصر فن آوری
بیشتر	اغلب	جامه دوز	خیاط	تازه کار	مبتدی
باز کردن اندکی سخن را باز کنید	بسط دادن قدری مطلب را بسط دهید	سرگذشت یا داستان	حکایت	پکین - پکش (pokesh) در اصفهان می گویند	انفجار
پیامبران - پیغمبران	انبیاء	درست کردن	تصحیح کردن	پیوست	الحاق
فرمایشتان چیست؟	امرتان چیست؟	دورترین جاهای کشور	اقصى نقاط کشور	داد و ستدها	معاملات
دارایی	ثروت	مژده دادن	بشارت دادن	شهروند ایران	تبعه ایران
خودنمایی	تظاهر	آب دهان	بزاق	شهروندی ایران	تابعیت ایران
رشته کوه‌ها	سلسله جبال	تخم، تخم پاشیدن	بذر، بذر پاشیدن	هر دو سو	طرفین
ماندن	اقامت	چشم تنگ	بخیل	تا هنگامی که	مادامی که
رسوایی	افتضاح	ناکس	اوباش	ناخجسته	نامبارک
گشایش	افتتاح	یخ زدن	انجماد	ناخجسته	نامیمون

## دسته ی هشتم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
خندان	بشاش	درخواست	تقاضا	زبانزد	ضرب المثل
آبگیر	برکه	سپردن	تفویض	راهپیمایی	تظاهرات
دوشیزه	باکره (بانوان)	نادرست آن را تباه کردم	باطل آن را باطل کردم	با سپاس	با تشکر (به ویژه در نامه های اداری)
سرما	برودت	جداسازی	تفکیک	سپاسگزارم	متشکرم
تباه	فاسد	پیش کش کردن	تقدیم کردن	بیرون	خارج
نوآوری	بدعت	نزدیکی	تقرب	بیرون از کشور	خارج از کشور
آشکار - پدیدار	بارز	پرهیزگاری - پرهیز	تقوی	درون کشور	داخل کشور
روزها	ایام	پرهیزگار	با تقوی	بیگانه	خارجی
استان فرمانروایی	ایالت	دروغ شمردن	تکذیب کردن	زبان بیگانه	زبان خارجی
مردمان بوشهر	اهالی بوشهر	توانگری	تمول	دچاری	ابتلاء
گونه	نوع	توانگر	متمول	همراستا	به موازات
گونه ها	انواع	چاپلوسی	تملق	دگرگونی	تغییرات
ترسناک	خوفناک	سرکشی	تمرد	دگرگون شد	تغییر کرد
ترس	خوف	پیکر - تندیس	تمثال	یافتگاه	محل اکتشاف
ترسیدن	خوف برداشتن	دغلی	تقلب	نام آوران	مشاهیر
گونه - جور	نوع	جانشین	خلیفه	از دید	به لحاظ
یک جور دیگر	یک نوع دیگر	جانشینان	اخلاف	از دید فرهنگی	به لحاظ فرهنگی
کشنده	مهلک	دودلی	تردید	دوراندیش	حسابگر
میانه روی	اعتدال	گردآوری	تدوین	گلدسته	مناره
فرمایش	امر	استوار	محکم	دفتر یادبود	دفتر خاطرات
نمک خوراکی	نمک طعام	خوشنویس	خطاط	گیتاشناسی	جغرافیا
نابودی	اضمحلال	خوشنویسی	خطاطی	واپس داد	استرداد
سروده ها	اشعار	فروتنی - افتادگی	خضوع	گردشگری	توریسم (اروپایی)
چیرگی	استیلا	دشمنی	خصومت	گردشگر	توریست (اروپایی)
بو کردن - بوییدن	استنشام	پیشینیان، گذشتگان	اسلاف	مردم سالاری	دموکراسی (اروپایی)
بازخواست	استیضاح	ویژگی	خصوصیت	همایش	کنگره (اروپایی)
برادری	اخوت	تخت تخت فرمانروایی	اریکه اریکه فرمانروایی	پخش همراه	واکمن (انگلیسی)
ریشخند	استهزا	ماه گرفتگی	خسوف	درنگ	تامل
آفریننده	خالق	خورشید گرفتگی	کسوف	گیرا	جذاب
پلیدی - ناپاکی	خبثت	گنجینه	خزانه	شاهزاده	پرنس (اروپایی)
پلید - ناپاک	خبیث	خراش	خدشه	شاهدخت	پرنسس (اروپایی)



## دسته ی نهم

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
خلقت	آفرینش	شطرنج	چترنگ	مذکر	نر
موافق	هم داستانم	وفات	مرگ - درگذشت	مونت	ماده
ماوراء الطبیعه	فرا سپهر	فوت شد	درگذشت	مقداری	اندکی - چندی
تواتر	بسامد	تهدید	ترسانیدن	تعدادی	شماری - چندی
شخصیت	منش	تعجیل	شتاب کردن	غیرممکن	نشدنی - ناشدنی
تشریفات	آیین ها	کارخانجات	کارخانه ها	مصلی	نمازخانه
مشتمل بر...	دربردارنده...	سبزیجات	سبزی ها	ازدواج	زناشویی
واصله	رسیده - دریافتی	حق الزحمه	دستمزد	احتیاج	نیاز
مقتولان	جان باختگان	اجرت	دستمزد	مرکز تحقیقات	پژوهشگاه
نیض	تپش	میادین	میدان ها	مقدور	شدنی
منطقه آزاد	آزادگاه	فرامین	فرمان ها	تردد	آمد و شد
مناطق آزاد	آزادگاه ها	قطع درختان	بریدن درختان	منقل	آتشدان
منطقه آزاد تجاری	آزادگاه بازرگانی	قابل انجام	شدنی	معروف	سرشناس
اعتبارنامه (سیاسی)	استوارنامه	قابل مطالعه قابل مطالعه نیست	خواندنی خواندنی نیست	مانع مانع کار چیست؟ مانع راه چیست؟	گیر - راهبند گیر کار چیست؟ راهبند چیست؟
آلت قتاله	کشت افزار	هم وطن	هم میهن	مثمر ثمر واقع شد	به کار آمد
استراتژی (اروپایی)	راهبرد	منزل	خانه	محروم	بی بهره
استراتژیک (اروپایی)	راهبردی	متعجب شد	شگفت زده شد	ایده آلیست (فرانسوی)	آرمان گرا
بین المللی	جهانی - فرا مرزی	تعجب	شگفتی	ایده آل (فرانسوی)	آرمانی
سوق الحبشی	راهبردی	باقیمانده	مانده	تصادف	برخورد
عصاره	افشره (afshore)	تفریق	کاهش	وحشت کردن	ترسیدن - هراسیدن
توضیح	روشنگری	تقسیم	بخش	نقیس	گران مایه - با ارزش
وجود	هستی	زاویه	گوشه	مستفیض	بهره مند
تجهیزات	ساز و برگ	سه ضربدر چهار	سه در چهار	منشاء	سرآغاز
مامور	کارگزار	غیر قابل قسمت	بخش ناپذیر	غلبه کردن	چیره شدن
کننور (اروپایی)	شمارنده	قابل قسمت	بخش پذیر	غالب مردم	بیشتر مردم
بلا تکلیفی	بی برنامگی	قابلیت قسمت	بخش پذیری	علی ای حال	به هر روی
بلا تکلیف	بی برنامه	اخاذی	زور گیری	صف	رسته
فی المثل	برای نمونه	بالاجبار	به ناچار	شکر گذاری	سپاس گذاری
ماساژ (فرانسوی)	مشت و مال	حماسی	پهلوانی	سقوط	سرنگونی
معاصر	امروزین - امروزی	در صورتی که	چنانچه	رویت	دیدن - دید

## دسته ی دهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
نیاز نیست	لازم نیست	همه پرسی	رفر اندم (اروپایی)	برگزیده	منتخب
روانه شدن رهسپار شدن	عازم شدن	ساده نگر، ساده اندیش	ساده لوح	شیوه، شیوه پوشش	طرز، طرز پوشش
پرگویی	وراجی	ناسزاگویی	فحاشی	چشم براه	منتظر
نگارخانه	گالری (اروپایی)	خواری	ذلت	نماینده مجلس	وکیل مجلس
ناشنا	صبحانه	نهفته - خفته	بالقوه	تبهکار	خلافکار
چگال	غلیظ	توان نهفته	قدرت بالقوه	پر شمارگان	کثیر الانتشار
روی هم رفته	در مجموع	سر برافراشتن	قد علم کردن	نوبین - امروزمین	مدرن (اروپایی)
روی هم رفته	من حیث المجموع	شتابزده	عجولانه	رخنه کردن	رسوخ کردن
نوشتار	مقاله	چیره دست	ماهر	دلنشین - دلپذیر	مطبوع
گرانکش	جرثقیل	چیره دست	حرفه ای	گسترده	مفصل
رهسپار	مسافر	بازنگری	تجدید نظر	پیام آور	منادی
بسنده کردن	قناعت کردن	در پایان	در نهایت	کافت - ستر	ضخیم
دستک ، دفتر و دستک	سند	شتاب شتاب کن	عجله عجله کن	همه همه دوستان	کل کل دوستان
ایرانی تبار	ایرانی الاصل	پالایش	تصفیه	کلان پیکر	عظیم الجثه
تبریزی تبار	تبریزی الاصل	گردهمایی	تجمع	ریسمان	طناب
هم سود	مشترک المنافع	خونریز	سفاک	گیتی - جهان	دنیا
ناشناس	مجهول الهویه	بردبار - شکیا	صبور	زیان	ضرر
به ویژه	بالاخص	کهن - باستانی	قدیمی	سود - هوده	منفعت
در دم	فی الفور	پیمان نامه	عهدنامه	پخش	توزیع
بی فرزند	مقطوع النسل	گودی - ژرفا	عمق	زایش	تولد
زین پس	من بعد	خرد	شعور	زادروز	روز تولد
یکزبان - همزبان	متفق القول	گوژ	قوز	میانه	متوسط
سرانجام	آخر الامر	به هر روی	به هر صورت	انگ	تهمت
چشمگیر	زاید الوصف	پایکوبی	رقص	کاخ	قصر
پژوهانه	حق التحقيق	دیگر	سایر	روادید	صلاحدید
آموزانه	حق التدریس	پیروز باشید	موفق باشید	پیکار	مسابقه
دستمزد	حق الزحمه	گزارشگر	خبرنگار	گلایه	شکایت
زادگاه	محل تولد	همبستگی	وحدت	سر راست	مستقیم
پیشنماز	امام جماعت	همکاری	مشارکت	همچنین	در ضمن
به خودی خود	فی نفسه	پیشنهاد	توصیه	فراخور	مناسبت

## دسته ی یازدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
پرووی کردن	تبعیت کردن	به روی چشم	اطاعت می شود	سده	قرن
پرورش	تربیت	آگهی	اعلان	سده های میانی	قرون وسطی
پرورش دادن	تربیت کردن	سر بلندی	افتخار	میان سده ای	قرون وسطایی
گمان کردن پنداشتن	تصور کردن	زیاده روی	افراط	تک سالاری	استبداد
از مودن - از مایش کردن	امتحان کردن	سر به نیست کردن	اعدام کردن	مردم سالاری	دموکراسی (اروپایی)
دلگرمی	تشویق	دریغا	افسوس	برداشت	استحصال
آموزش	تعلیم	بخت	اقبال	شنود	استراق سمع
گردشگاه	تفرجگاه	بخت	شانس(فرانسوی)	دیداری شنیداری	سمعی بصری
نکوهش سرزنش	توبیخ	راستا	امتداد	گفتمان	بحث و تبادل نظر
به امید خدا	توکل به خدا	به امید خدا	انشاء الله	سنگربندی ها	استحکامات
دوم	ثانیا	تلافی	انتقام	میان رودان	بین النهرین
سنگین	ثقیل	پیشکش کردن	اهدا کردن	فرا رود	ماوراء النهر
سوم	ثالثا	پدید آوردن	ایجاد کردن	به کارگیری	استفاده از
کشش	جاذبه	دست نخورده	بکر	همیشگی	ابدیت
دلنشین دلچسب	جالب	سرانجام	بالاخره	شاید - چه بسا	احتمالا
کشمکش	جدال	دریا	بحر	فراخواندن	احضار کردن
مو به مو	جزء به جزء	دریای مازندران	بحر خزر	پایان	آخر
فر و شکوه	جلال و جبروت	شوخ	بذله گو	دریافت	اخذ
دوزخ	جهنم	پایدار - استوار	برقرار	زمین ها	اراضی
از بر کردن	حفظ کردن(نوشته)	کشور	مملکت	خواروبار	ارزاق
گرما	حرارت	همراه	به اتفاق	بزرگتر	ارشد
جنبش	حرکت	بارها	به کرات	بالا بر	آسانسور(اروپایی)
بجنب	حرکت کن	پدید آوردن	به وجود آوردن	پیشین	اسبق
پایه گذاری کردن	تاسیس کردن	بی همتا - بی مانند	بی نظیر	آسودن درازکشیدن	استراحت کردن
پرده سرا	حرم سرا	برشمردن	بیان کردن	آسان	راحت
چشم تنگ	حسود	سرزده	بی خبر	گواهی	استشهاد
دلنازک	حساس	دلخراش	تاثیر آور	کناره گیری	استعفا
دیوار	حصار	دردناک	تالم	شکم روش	اسهال
دستور	حکم	موشکافی	تجزیه و تحلیل	آشوبگران	اشرار
دور و بر	حول و حوش	سررشته داشتن کاردان بودن	تخصص داشتن	پافشاری	اصرار

## دسته ی دوازدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
همسر	عیال	مانند - همانند	شبیه	داوری	حکمت
پراکنده کردن، پراکندن	متفرق کردن	همانندی، همانندگی	شباهت	آبرو	حیثیت
بدی	عیب	بار یافتن	شرف یاب شدن	دلباخته	خاطر خواه
چپاول	غارت	آغاز کردن	شروع کردن	ویرانی	خرابی
خوراکی	غذا	درمان - بهبود	شفا	دست نویس	خطی
جو و گندم	غلات	اهریمن	شیطان	خوش آمد	خیر مقدم
برده	غلام	بیابان- دشت و دمن	صحرا	همیشه - همش	دائم
نابخشودنی	غیر قابل عفو	چشم پوشی کردن	صرف نظر کردن	رو به پیشرفت	در حال رشد
آرمانشهر	مدینه فاضله	چهره	صورت	دستور کار	دستور العمل
اندیشمند، اندیشمندان	متفکر، متفکران	شکارچی یا ماهیگیر	صیاد	کتک کاری کرد	دعوی کرد
بی پایان	لایتناهی	ناتوان - لاغر	ضعیف	اندوخته	ذخیره
ناسزا - دشنام	فحش	بخت	طالع	مردها	ذکور
بالایی	فوقانی	توان - تاب - نا	طاقت	زیر - پایین	ذیل
ماما	قابله	پرندگان	طیور	یادکردن	ذکر کردن
آدمکش	قاتل	خردمند	عافل	یادشده	مذکور
توانا	قادر	پرستش	عبادت	چشم و همچشمی	رقابت
پیشینیان	قدما	درماندگی	عجز	پارسا	زاهد
سنگدل	قسی القلب	ناکام	ناموفق	در دسر	زحمت
تکه	قطعه	ناکامی	عدم موفقیت	جفت	زوج
سرپرست	قیم	دادخواست	عرض حال	پیشینه	سابقه
سرپرستی	قیومیت	سوگ	عزا	تندرست	سالم
دلگیری	كدورت	بازگشت	عطف	بند امیرکبیر	سد امیرکبیر
کم مانند	کم نظیر	باورها	عقاید	تند	سریع
کاستن	کسر کردن	با باورهای گوناگون	با عقاید مختلف	پادشاه	سلطان
بی بندوبار	لابالی	باور	عقیده	پادشاهان	سلاطین
دلسرد	مایوس	زیادگی، سرگذشت	بیوگرافی (فرانسوی)	کناره های دریای مازندران	سواحل دریای خزر
دست کم	لااقل	دستار	عمامه	گردشگر	سیاح
شایسته	لایق	کارگر	عمله	تاریکی	ظلمات
آجو	ماء شعیر	پس فرستادن	عودت دادن	نیمروز	ظهر
گذشته	ماضی	جابجا کردن	عوض کردن	درمانده	عاجز

## دسته ی سیزدهم

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
مؤلف	نویسنده	مقتی	چاه کن	جسور	بی باک - دلیر
یأس	ناامیدی	ملحق شدن	پیوستن	جثه	تنه
مباحثه	گفت و شنود	مملو	پر - لبریز	تحمل	بردباری
متناسفانه	بدبختانه شوربختانه	منظومه شمسی	سامانه ی خورشیدی	موجب نگرانی شد	مایه نگرانی شد
مجانی	رایگان	منزه	پاک	بلاغت	شیوایی
مجبور	ناچار	انحراف	لغزش	بنیان	بنیاد
محبس	زندان	منکر شد	زیرش زد	جرات	پارا
محرم	رازدار	موازنه	برابری	تمایل	گرایش
محصول	فرآورده	موازنه قدرت	برابری نیروها	خنجر	دشنه
مخبر	خبرنگار - خبررسان	نادم	پشیمان	ذره	خرده
مختصر	ناچیز	ندامت	پشیمانی	یک ذره	یک خرده
مخفی	پنهان - نهان	نزول پول	بهره پول	سرحدات	مرزها
مخفیانه	پنهانی	نزاع	کشمکش	سهل	آسان
مخفیگاه	نهانگاه	نشاط	شادی	ظهور	پیدایش
مداخله	پادرمیانی	نظافت	پاکیزگی	عجب	شگفت
مدفون کردن	به خاک سپردن	نفع	سود	عیان	آشکار - هویدا
کفن و دفن	خاکسپاری	نفع خالص	سود ویژه	فتنه	آشوب
مدل (اروپایی)	الگو	واعظ	سخنران	قافله	کاروان
مرسوله پستی	بسته پستی	والده	مادر	قیافه	ریخت
مستشرق	خاورشناس	والی	استاندار	لقب	فرنام
مستمعین	شنوندگان	ودیعه	سپرده	مزین	آراسته
مسخره است	خنده دار است	وثیقه	پشتوانه	مشارالیه	نامبرده
مضيقه	تنگنا	وساطت	میانجیگری - میانجی	مشقت	رنج
مطلع	آگاه	وساطت کردن	میانجیگری کردن	ناشکری	ناسپاسی
مضایقه نمی کنم	خودداری نمی کنم فرو گزاری نمی کنم	مفقود شده	گم شده ناپدید شده	مفلوک	بیچاره - درمانده - بدبخت
معتقدات	باورها	ورید	رگ	هدیان	چرند
اعتقادات	باورها	وراث	بازماندگان	وایعهد	جانشین
مغرور	خودخواه - خودپسند	چه طوری؟	چه جوری؟	انهار	رودها
مغفرت	آمرزش	یاغی (ترکی)	سرکش	ملامت	سرزنش - سرکوفت
مقدمه	پیشگفتار	همان طور	همان جور	متواتر	پی در پی

## دسته ی چهاردهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
نماد	سمبل (اروپایی)	سرنویس	عنوان	کوتاهی	قصور
نمادین	سمبلیک (اروپایی)	بخردانه	معقول	پیروان	طرفداران
گواه	شاهد	آفریده	مخلوق	خدا بیامزدش	خدا رحمتش کند
مکنده	پمپ (فرانسوی)	فرآیند	پروسه (فرانسوی)	پاکیزه نگه دارید	نظافت را رعایت کنید
بی همتا	منحصر به فرد	تراوش	ترشح	شناسه	مشخصه
خواهشمندم خواهشمند است	لطفا	دستمزد - کارانه	حقوق (پول دریافتی)	دستور زبان	گرامر زبان (انگلیسی)
پیشوا	امام	گاهنامه	نشریه ادواری	گندزدایی	ضد عفونی کردن
پیشنماز	امام جماعت	هفته نامه	نشریه هفتگی	چهره پردازی	گرم (اروپایی)
ندانسته	سهواً	چیرگی	سلطه	چهره پرداز	گرمور (اروپایی)
ندانسته	اشتباهاً	دلخواه	مد نظر	دانش اندوزی	کسب علم
ناگوار	وخیم	پهنه	عرصه	واژه بازی	لفظی
کنشیار	کاتالیزور (اروپایی)	چند و چون	کم و کیف	سوداگر	کاسب
وابستگی	تعلق خاطر	هنگامه	بجبهه	سوداگری	کسب و کار
گنجه	کابینت (فرانسه)	سر بسته	تلویحا	ستاد	مقر
بزم	ضیافت	باجه	گیشه (فرانسوی)	ستاد سپاه	مقر سپاه
همبآوری	اعتماد متقابل	تیمچه	پاساژ (فرانسوی)	باز دارندگی	ممانعت
پردامنه	مُفصل	چشم بندی	شعبده بازی	بنیانگذار	موسس
بندگاه	مُفصل	برچیده شد	منحل شد	آرامش	طمأنینه
آبگون	مایع	برچیدن	منحل کردن	پیمودن	طی کردن
گوش ماهی	صدف	دانش آموخته	فارغ التحصیل	نیک فرجام	عاقبت به خیر
بختک	کابوس	استاد - آموزگار	مدرس	خوشگذرانی	عیش و نوش
گردآورد	مجموعه	شهبانو	ملکه	اندوه بار	تاسف بار
شگرد	تکنیک (اروپایی)	همگنی	تجانس	پافشاری	تاکید
خرک	جک (خودرو)	آزمودن	تجربه کردن	پافشاری کرد	تاکید کرد
خرخره	حلقوم	دانش نوآوری	علم بدیع	روزی	معاش
فراگیر	جامع	بر او شورید	علیه او شورید	آبخست (abxast)	جزیره
چرا رنجه فرمودید؟	چرا زحمت کشیدید؟	کلاه از من است، کلاه من است.	کلاه مال من است	در میان گذاشتن	مطرح کردن
سزاوارتان نیست	قابل شما را ندارد	بی قواره	نا متناسب	خوار داشت	تحقیر
خاستگاه	مبدأ	بریدن	قطع کردن	وارونه	برعکس
رسید، رسید انبار	قبض، قبض انبار	جدا از اینکه	به غیر از اینکه	روانداز	لحاف

## دسته ی پانزدهم

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
نسوان	زنان	تغییرات	دگرگونی ها	به تفصیل	به گستردگی
اما	لیک، ولی	ملاقات کرد	دیدار کرد	متعهد	پابند
فقط	تنها	فرماندار فعلی...	فرماندار کنونی...	نارضایتی	ناخشنودی
به هر حال	به هر روی	متعجب	شگفت زده	ضمیمه	پیوست
متخصص	کار آزموده	اخیرا	به تازگی	کلمه عبور	گذرواژه
رفاقت	دوستی	طریقه	شیوه	اتوماتیک(اروپایی)	خودکار
مجدد	دوباره	حامی	پشتیبان	جراید	روزنامه ها
این طور	اینگونه، این جور	در مقابل...	در برابر...	به همین خاطر	از این رو
منفک	جدا	جمعی	گروهی	بر عهده	بر دوش
جلوس کردن	نشستن	قبلاً	پیشتر	واقعاً	به راستی
حال که...	اکنون که...	استیجاری	کرایه ای	به این ترتیب	بدین گونه
فراغت	آسایش	اولا آنکه	نخست آنکه	علنی شد	آشکار شد
ایجاد اشتغال	کار آفرینی	دوماً	دوم اینکه	ایجاد	برپایی
سایرین	دیگران	هیچ وجه	هیچگونه	به نحو	به گونه
سهولت	آسانی	مرتباً	پی در پی	حیرت انگیز	شگفت انگیز
از این طریق	از این روش	در آخر	در پایان	اطلاع ثانوی	آگهی پس از این
مثل آسمان	همانند آسمان	اکثراً	بیشتر	بی تردید	بی گمان
غصه	غم	به نحوی	به گونه ای	فی الواقع	به راستی
سابق	پیشین	قبلی	پیشین	در واقع	به راستی
متعلق به...	از آن...	وفور	فراوان	مطلوب	دلخواه
در خصوص	درباره	به وفور	فراوانی	عوام فریبانه	مردم فریبانه
ضایع شده	از میان رفته	علاوه بر	افزون بر آن	فرض کردن	پنداشتن
شیوع	گسترش	اقصی نقاط جهان	سرتاسر جهان	متوقف شد	باز ایستاد
از طرف دیگر	از سوی دیگر	اقصی نقاط دنیا	سرتاسر جهان	تحمل نمی کند	بر نمی تابد
طبق گزارش...	بر اساس گزارش...	از طریق	از راه	قوی	نیرومند
ضمن آنکه	افزون بر آنکه	جمع آوری	گردآوری	ما فوق	فرا تر از
...میسر است	...شدنی است	قریب الوقوع	زود هنگام	نهایتاً	سرانجام
حوزه خلیج فارس	گرداگرد خلیج فارس	خانم (ترکی مغولی)	بانو	توأم	همراه
خلیج فارس	کنداب پارس	در این خصوص	در این باره	مسلماً	بی گمان
برخی مواقع	گاهی	مشکل است	سخت است	بسط	گسترش
بعضی مواقع	گاهی				

## دسته ی شانزدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
بدست	توسط	پروانه	جواز	دور شدن	فاصله گرفتن
بدست	به وسیله	سال	سنه	پیشگیری ناپذیر	اجتناب ناپذیر
به راستی	به واقع	راستین	واقعی	نیاز مند	محتاج
از این روی	به همین دلیل	درونی، خواست درونی	باطنی، خواست باطنی	پیشرفته	مترقی
چگونه	چطور	بی پایان	بی انتها	پیشرفت	ترقی
گنجه	قفسه	گستره	حیطه	بر اساس	بر مبنای
نامزد (اروپایی)	کاندیدا (اروپایی)	نبود	فقدان	شایستگی	صلاحیت
تا اندازه ای	تا حدی	گستره	قلمرو	استوار	راسخ
کاستی	نقیصه	دستور کشتن	دستور قتل	مردم ایران	ملت ایران
جهانگیر	عالمگیر	نزدیک، نزدیک ۲ فرسخ	حدود، حدود ۲ فرسخ	همیشگی	مادام العمر
یکپارچگی کشوری	تمامیت ارضی	هم سود	مشترک المنافع	به راستی	در حقیقت
کسانی که	افرادی که	شهروندان	اتباع	فروریخته	متلاشی
آنگاه	آنوقت	نیروبخش	مقوی	راه	مسیر
برگرداننده	مترجم	بدرفتاری	سوء رفتار	چیره	مسلط
از این دست...	از این قبیل...	گردهمایی	مجمع	سرنوشت	قضا و قدر
ویرانی	تخریب	پژوهشی	تحقیقاتی	آغاز	مبدا
ویرانگر	مخرب	در بر گیرنده	متشکل از	دوری	اجتناب
درباره	در باب	در بر گیرنده	شامل	ناخشنود	ناراضی
ریشه دار	اصیل	روی هم رفته	در کل	راهکار	راه حل
مهارشده	قابل مهار	بازگو کردن	بیان کردن	چیرگی	تسلط
مهارشده	قابل کنترل	برآیند اینکه	در نتیجه	بازبینی	مرور
آدمی	پشر	کاستی - دشواری	معضل	آزمایش ها	آزمایشات
نهان	مستتر	با آنکه	علیرغم	گوناگون	متنوع
یادآوری کرد	خاطر نشان کرد	آشکارا - یک راست	مستقیماً	شناسایی	معرفی
مهار	کنترل (اروپایی)	کارساز	تاثیر گذار	گذران زندگی	امرار معاش
هم اکنون	در حال حاضر	از آنش	مالکیت	پاسخگو	جوابگو
بر پایه	مبتنی بر	مایه	باعث	پاره ای از آن	جزیی از آن
جدا	متمایز	از دسته - از آنگونه از دسته کارهای نیک	از جمله از جمله کارهای نیک	آماده	مهیا
به گفته ای	به عبارتی	بازبینی، بازرسی، واری	نظارت	گریز از	فرار از
همبسته	متحد	ناپسند	نامطلوب	تباهی	فساد



## دسته ی هفدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
کار آزمودگان	متخصصان	سنگین	وزین	روشن	واضح
در برابر ...	در عوض ...	نگهبانی	حراست	نگریستن	جالب توجه
سپاسگزاری	تشکر	از سوی	از جانب	نیرنگ	توطئه
پایان یافته	تمام شده	همانند	نظیر	بیشتر	غالباً
گذشتن	عبور کردن	بی مانند	بی نظیر	دلشاد	خوشحال
وابسته به	منوط به	دل آزرده	متاثر	جنبش	نهضت
به هیچ روی	به هیچ عنوان	والا جایگاه	عالی رتبه	دروغین	جعلی
فراخواندن	احضار کردن	شاید	احیاناً	پی گرفتن - ادامه دادن	تداوم دادن
ترس	رعب	کسان	افراد	پیشترها	در قدیم
همین گونه	همینطور	کسانی	افرادی	آمد و شد	عبور و مرور
بیشتر	اکثر قریب اتفاق	بیشترها	قدیم الایام	کناره گیری کردن	انصراف دادن
برآند	قصد دارند	کارساز	مؤثر	راه اندازی	تاسیس
دگرگونی	تحول	بازگویی دیدگاه	اظهار نظر	خانه ها	منازل
ناپاک	کثیف	ادامه	تداوم	گرد آمدگان	تجمع کنندگان
نوآورانه	مبتکرانه	درنگ کردنی	قابل تامل	نامی- نامدار- سرشناس	مشهور
نوآور	مبتکر	و دیگر هیچ	و لا غیر	میهنی	وطنی
نوآوری	ابتکار	رایانه	کامپیوتر (اروپایی)	جستار	مبحث
بی گمان	مطمئناً	فرای	ماورای	جستار	موضوع
بسند	اکتفا	همگانی	عمومی	شماری	معدودی
بسند کردن	اکتفا کردن	دوستدار	علاقه مند	درباره	در ارتباط با
ددمنشانه	وحشیانه	درونی	داخلی	مایه	موجب
				مایه ی سربلندی شد	موجب سربلندی شد
زیر درفش ...	تحت لوای ...	جنگ افزار	سلاح	رو به پیشرفت	در حال توسعه
رانده شده	مطرود	پیمان نامه	معاهده	دوره باستان	عصر باستان
رانده شده	طرد شده	بازگو کرد	اظهار کرد	از آغاز	از اوایل
زاده شده	متولد شده	جدا نشدنی	لایفک	جنگ افزاری	تسلیحاتی
شگفت آور	حیرت آور	افزودن	اضافه کردن	آمیزه ای	تلفیقی
شگفتی آور	تعجب آور	بی گمان	به طور قطع	پیشینه	سوابق
سازوکار	مکانیزم (اروپایی)	در پایان	دست آخر	کنداب (Kandaab)	خلیج
یک سویه	یک طرفه	بی گمان	یقیناً	کنداب پارس	خلیج فارس
ناآگاه از آنکه	غافل از آنکه	دست یافتنی	قابل دسترس	دارای ...	حائز ...
				دست نیافتنی	غیر قابل دسترس

## دسته ی هژدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
در نیافتنی	غیر قابل درک	گاهنامه	مجله	پیش بینی می شود	انتظار می رود
باور نکردنی	غیر قابل باور	راه آهن	خط آهن	افزون بر درست شمردن	ضمن تایید
نابخشودنی	غیر قابل بخشش	برونرفت	خروج	درونمایه	محتوی
ناگفتنی	غیر قابل بیان	روی هم رفته	جمعاً	دست زدن	اقدام نمودن
بر نتافتنی	غیر قابل تحمل	روی هم رفته	کلاً	بایسته	ضروری
در نیافتنی	غیر قابل فهم	بی اندازه	فوق العاده	در همان سان	در عین حال
سنجش ناپذیر	غیر قابل مقایسه	بر آمدن آفتاب	طلوع آفتاب	زمینه - گوینه	مقوله
بازجویی	تفتیش	هر اسناک - ترسناک	وحشتناک	کماییش	نسبتاً
اروند رود	شط العرب	گرامی	مکرمه	آن سان که پیداست	ظاهراً
نماهنگ	کلیپ (اروپایی)	گسپل	اعزام	رو کرد	ارائه کرد
نمایه	ایندکس (اروپایی)	دیرینگی	قدمت	نا به سامانی	نامرتبی
بسامد	فرکانس (اروپایی)	تارنگار	وبلاگ (انگلیسی)	نا به سامان	نامرتب
بسامد	تواتر	تار نما	وب سایت (انگلیسی)	نا به سامان	نامنظم
پیمان نامه	تعهدنامه	بزرگداشت	تکریم	نا به سامانی	بی نظمی
خشک نای	حجره	خودرو	اتومبیل (اروپایی)	ریخت و پاش	اسراف
گواهمندی	استناد	زمینه های	موجبات	یارانه	سوسپید (اروپایی)
استر	قاطر	پیوسته	لایققطع	گروهی	دسته جمعی
سوسمار	تمساح	ریزننگاره	مینیاتور (اروپایی)	وارون	بالعکس
از آن میان...	از آن جمله...	ریزننگاری	مینیاتوری (اروپایی)	دسته بندی	طبقه بندی
پیشی گرفت	سبقت گرفت	بانگ نماز	اذان	بی دادگری	بی عدالتی
پیشترها	سابقاً	جا نماز	سجاده	بی دادگری	نا عدالتی
پیش پرداخت	بیعانه	دستار بند	معمم	باور	یقین
دانسته	عمداً	رستاخیز	معاد	آنگونه	آنطور
رده	ردیف	رستاخیز	محشر	بدین روش	بدین طریق
بد نهاد	بد جنس	چله	اربعین	رخ داد	اتفاق افتاد
وام بی بهره	قرض الحسنه	یکتاپرستی	توحید	رویدادها	وقایع
چگونگی	وضعیت	بالاپوش	عبا	رویدادها	اتفاقات
سزاوار	مستحق	نرمش ناپذیر	غیر قابل انعطاف	پر شمار	عدیده
لغزش	تخطی	انجام ناپذیر	غیر قابل اجرا	کاستی ها	نواقص
پذیرش دانشجو	جذب دانشجو	برگشت ناپذیر	غیر قابل ارجاع	بر پایه	بر اساس

## دسته ی نوزدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
روشنگر نامه	توضیح المسائل	نمونه ها	اقلام	چیرگی	مهارت
دستگرد	تسبیح	نمونه هایی از...	اقلامی از...	هدر دادن	تألف کردن
خونبها	دیه	گسترش	توسعه	یادبود	خاطره
درود فرستادن	صلوات	چندی است	مدتی است	برکناری	عزل
پنج یک	خمس	سر ساعت ۹ شب (ساعت= تسو)	راس ساعت ۹ شب	ناشایستگی	بی کفایتی
هشت یک	زکات	شایسته	با لیاقت	ناشایستگی	بی لیاقتی
ماه شکافی	شق القمر	جدایی خواه	تجزیه طلب	پیروان	حامیان
باورمند	مومن	خاکسپاری	دفن کردن	کارگزاران- دست اندر کاران	مسوولان
در آینده	بعدها	نیمروز	جنوب	هم اینک	فعلاً
دشواری ها	مشکلات	نیمروز	ظهر	درخواست کننده	متقاضی
دگرگونی ها	تحولات	پایانه	ترمینال (اروپایی)	پدیدار شدن	ظاهر شدن
کارشان- کارشناس	صاحبنظر	رهایی	نجات	برای	به منظور
دامنه - پهنه	حوزه	سامان	نظم	بازرگانی	تجاری
داوران - دادگران	قضات	برداشت	استنباط	سنگدل	بی رحم
مردم سالارانه	دموکراتیک (اروپایی)	لت و کوب	ضرب و شتم	سپاسگزاری	قدردانی
خود سالاری	استقلال	تیره ها	قبایل	تودگانه	عامیانه
پذیرا شدن	تقبل کردن	کاریز	قنات	بی ارزش	بی اعتبار
همایه	انتلاف	کاریزها	قنات	سپاس (فرانسوی)	مرسی (فرانسوی)
رفت و آمد	معاشرت	فرآوری	تولید	زشت	قبیح
گاهی	ندرتاً	سرنگون	ساقط	دیرینگی	قدمت
سخن نادرست	حرف بی ربط	بخردانه	منطقی	داد گرانه	عادلانه
سخن گفتن	حرف زدن	پیشینگی	تقدم	پیروزمند	فاتح
جامه پوشیدن	لباس پوشیدن	نخستینگی	اولویت	بی گمان	بی تردید
شوخی	مزاح	پند	عبرت	بی تاب	بی قرار
کشتارگاه	مسلخ	دورنگار	فکس(اروپایی)	بی تابی	بی فراری
آماس	ورم	شگفت انگیز	اعجاب انگیز	ناشکیبا	بی صبر
مشت زنی	بوکس (اروپایی)	باز ایستادن	متوقف شدن	ناشکیبایی	بی صبری
داد گرانه	منصفانه	روا داری	تسامح	ناآگاه	بی خبر
جهانرها	تارک دنیا	گرایش ها	تمایلات	ناآگاهی	بی خبری
بارانداز	اسکله (ایتالیایی)	سده ها	قرون	بی جان	بی روح

## دسته ی بیستم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
گمان	خیال	هم اندیشان	همفکران	نورتاب	آبازور (فرانسوی)
بی شرمی	وقاحت	هنگامیکه	وقتی که	ایوان	بالکن (اروپایی)
زمان	موعد	آغاز	بدو	ایوان	تراس (اروپایی)
زمان دیدار با...	موعد ملاقات با..	از آغاز پیدایش...	از بدو پیدایش...		
دست درازی	تجاوز	مردم فریب	عوام فریب	کالا برگ	کوپن (اروپایی)
تندتر	سریعتر	کم کم	به تدریج	برگ خرید	فاکتور خرید (اروپایی)
ادامه	استمرار	کم کم	تدریجا	پیکان	فلش (اروپایی)
بی شرم	وقیح	به نادرست پنداشت که...	به غلط پنداشت که ...	پالایه	فیلتر (اروپایی)
دست اندر کاران	متولیان	بزرگ	عمده	دمابان	فلاسک (اروپایی)
دست اندر کار	متولی	لرزان	متزلزل	خود پرداخت	فرانشیز (اروپایی)
شگفت زده	حیرت زده	میانه ها	اواسط	سرسرا	هال (انگلیسی)
به دنبال	متعاقب	همگی	کلیت	برگه	فیش (اروپایی)
فرخنده	مبارک	کارایی	تاثیر	دیوارک	پارتیشن (انگلیسی)
هیچ کسی	احدی	نشست ها	جلسات	نور افکن	پروژکتور (فرانسوی)
هیچ کسی نباید...	احدی نباید...				
جلوه نمایی	عرض اندام	زندگی وی در راه.	عمر وی در راه...	هم اندیشی	سمینار (فرانسوی)
نهادن	قرار دادن	پیامدها	تبعات	آبشویه	سیفون (فرانسوی)
نوشته ها	نوشتهجات	خواسته ها	مطالبات	سراچه	سوئیت (اروپایی)
پدر	والد	شرم آور	خجالت آور	خوشمزه	لذیذ
پیشنهاد کردن	ارائه طریق کردن	آگاهی	استحضار	نویافته	مکشوفه
سبزیانه	سالاد (فرانسوی)	واژه	لغت	پیکاوی	تفحص
افسوس که...	حیف که...	درونمایه	محتویات	ساختمایه ها	مصالح ساختمانی
دردسر دادن	مزاحم شدن	کشتار	قتل عام	چرخشگاه	نقطه عطف
ناسازگار	ضد و نقیض	خودکامه	مستبد	برشگاه	تقاطع
فراخواندن	دعوت کردن	خودکامگان	مستبدان	خودروگاه	پارکینگ (انگلیسی)
فراخوانه	دعوت نامه	بایستگی	ضرورت	سنجیده	حساب شده
شور	شوق	زیر فشار	تحت فشار	ابزارها	لوازم
گذرا - زودگذر	موقت	گستره	وسعت	پسمان ها	ضایعات
شایستگی، سزاواری	استحقاق	در این باره	در این ارتباط	گیرایی - گیرایش	جذابیت
آسانگیری	ارفاق	یک چهارم	یک ربع	پذیرفتنی	موجه
پرشکوه - پر نما	مجلل	فرزند	مولود	بنابر این	فلذا
پریشان	مضطرب	چشمداشت	توقع	پس دادن	عودت دادن